

به عبادتمان مغرور نشویم!

یکی از دستورات این است که در عبادتی که می‌کنیم و اذکار و اسرار آن تأمل و تحقیق کنیم تا بتوانیم به آن عمق ببخشیم و بیشتر قدر آن را بدانیم. خداوند بزرگ در سوره مبارکه حمد می‌فرماید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.» ما در سوره مبارکه حمد به درگاه خداوند اقرار می‌کنیم که خدا یا عبادت من مخصوص توست و من منحصر تو را عبادت می‌کنم و غیر از تو را عبادت نمی‌کنم.

در ادامه می‌گوییم خدا یا ما را به راه راست هدایت کن. در سوره مبارکه پس خداوند می‌فرماید: «الْم أَهْدِ إِلَيْكَ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» و «وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را نپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست و اینکه مرا بپرستید که این صراط مستقیم است. اگر ما در سوره حمد به درگاه خداوند عرضه می‌داریم که فقط خداوند را عبادت می‌کنیم، پس صراط مستقیم حاصل شده است، چرا دوباره از خداوند می‌خواهیم که ما را در صراط مستقیم قرار دهد که این آیه در همه نمازها هم خوانده می‌شود؟

توضیح آنکه عبادت دارای دو مرحله است که شامل باورداشتن و عمل کردن به آن می‌شود. مرحله نخست عبادت، باورکردن خداوند است و اعتراف به اینکه من فقط خدا را عبادت می‌کنم و باور دارم که خداوند مالک همه وجود من است و همه داشتنی‌های من مملوک ذات مقدس پروردگار است. بنابراین من و آنچه دارم باید در خط عبودیت و بندگی خدا قرار بگیرد. این باور، اراده و تصمیمی که من در عرصه زندگی همه داشته‌هایم را در مسیر بندگی خداوند متعال استفاده کنم، مرحله نخست عبادت است؛ اما مرحله دوم عبادت تحقق باور به مالکیت خداوند است. در مرحله دوم انسان به این باور می‌رسد که خداوند متعال مالک همه چیز اوست و او تصمیم می‌گیرد که هرچه دارد را در مسیر بندگی و عبودیت خداوند صرف کند. بنابراین، به درگاه حق عرضه می‌دارد که خدایا در جریان زندگی و عمر ما را هدایت کن که بتوانیم برنامه زندگی‌مان را بر اساس بندگی تو تنظیم کنیم و فقط به تو وابسته باشیم. اگر در عرصه زندگی وابستگی انسان منحصر به خداوند متعال نشد و او به همه چیز مانند پول، قدرت، مقام، موقعیت‌های اجتماعی و... وابسته شد، مشخص است که دیگر به صراط مستقیم هدایت نشده است؛ زیرا وقتی می‌گوییم «اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، یعنی خدایا مرا به آن عبودیت انحصاری که به تو اظهار کردم، هدایت کن و برنامه‌ریزی زندگانی من را بر این اساس قرار بده که فقط به تو وابسته باشم.

امام باقر^(ع) می‌فرماید: «بنده، خدا را چنان که سزاوار است، عبادت نکنند، مگر آن‌گاه که از همه خلائق بیزد و به او روی آورد؛ در این هنگام است که خداوند می‌فرماید این بنده برای من خالص شده است، پس او را با کرم خود می‌پذیرد.» انقطاع از خلق به معنای دوست‌نداشتن پدر، مادر، فرزند و همسر نیست؛ انقطاع به این معناست که در زندگی امید و تکیه‌گاه انسان هیچ‌کسی غیر از خدا نباشد و او همه چیزش را از درگاه خداوند متعال درخواست کند. اگر انسان به این مقام رسید، عبادت او پذیرفته می‌شود.

در مسیر عبودیت خداوند انسان نباید گرفتار غرور شود. در عرصه عمر و زندگی ما باید خودمان را همیشه برابر خداوند مقصر ببینیم و با انجام چند عمل خیر و خواندن چند رکعت نماز نافله فکر نکنیم که عبادتمان کامل است. در روایتی از که از فضل بن یونس از امام کاظم^(ع) نقل شده است، حضرت به فضل بن یونس فرمودند: «بسیار بگو، خدایا! مرا از عاریه‌داران قرار مده و از حد تقصیر بی‌روزم میر»؛ او به حضرت عرض کرد معنای عاریه‌داران را می‌دانم که شخصی دین را به‌طور عاریه می‌گیرد و سپس آن را خارج می‌شود، اما معنای «مرا از حد تقصیر بی‌روزم میر» چیست؟ حضرت فرمودند: «هر کاری که برای خدا انجام می‌دهی، خودت را در آن مقصر بدان؛ زیرا همه مردم در کارهایی که برای خدا می‌کنند، مقصر هستند، مگر کسی که خداوند عجز او را نگه دارد.» پس باید گذشته از گناهانمان از کارهای خوبمان که پر از نقص است، به درگاه الهی توبه کنیم. باشد که همین امیدداشتن به لطف و رحمت او ما را مشمول عنایات الهی قرار بدهد. ان شاء...

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اعمال

اعمال روزهای پایانی ذی الحجه (۱)

ذی الحجه یکی از بهترین ماه‌های مسلمانان است. در این ماه پر بركت اعمال زیادی را می‌توان برای نزدیک شدن به خداوند و مورد رحمت الهی قرار گرفتن انجام داد. در روزهای پایانی این ماه مبارک قرار داریم و در این روزها با چند مناسبت روبه‌رو هستیم. یکی از این موارد داستان مباهله پیامبر اکرم^(ص) است و دیگری ماجرای خاتم بخشی حضرت علی^(ع) امام محبوب ما شیعیان در حالت رکوع است. بخ جز این موارد تا روزهای پایانی مناسبت‌های دیگری نیز وجود دارد که می‌توان به عنوان فرصتی برای استغفار و توبه از آن‌ها در درگاه خداوند استفاده کرد.

بر این اساس یکی از اعمال مهم این ماه که از امام باقر^(ع) برای ما به جای مانده است و اعمال روز مباهله را برای شما در ذیل آورده‌ایم.

۱. یکی از اوقات مهم و روزهای شریف این ماه، روز بیست و چهارم است. رسول خدا^(ص) در چنین روزی آماده مباهله با مسیحیان شد و حوادثی اتفاق افتاد که موجب خواری آنان شد و مجبور شدند به جزیه دادن همراه با ذلت تن دهند. از اعمال این روز، روزه گرفتن، غسل کردن و پوشیدن تمیزترین لباس‌ها و استعمال عطر است. همچنین، باید در منزل خود، آرامش و وقار داشته باشید و بعد از غسل و پوشیدن لباس‌ها از منزل خارج شوید، به مزار یکی از اولیای خدا یا مکان خلوت یا کوهی بلند بروید و کارهایی را که مردم هنگام رفتن سر مزار اولیای خدا انجام می‌دهند، انجام بدهید. باید مدتی صلوات بفرستید. آن‌گاه نماز بخوانید و بعد از نماز هفتاد بار از خداوند آمرزش بخواهید، مثلاً هفتاد بار بگویید «استغفراً...». آن‌گاه برخیزید، دست‌هایتان را بلند کنید، بین زمین و آسمان را بنگرید و بگویید: ... - در اینجا سید، داعیی را که مشتمل بر ستایش خدا به جهت معرفی مفصل ولایت با آیه مباهله است، آورده است - و بعد از نقل آن دعا می‌گوید: هنگام خواندن هر دعا باید دو رکعت نماز خواند و تا نیمروز یا تا اذان ظهر و بنا بر عقیده بعضی تا زردی آفتاب در آنجا ماند. این روز از جهت دیگری نیز ممتاز بوده است و کرامت دارد. در این روز امیرالمؤمنین علی^(ع) انگشترشان را در حال رکوع به فقیر بخشیدند.

۲. از مهم‌ترین اعمال ماه ذی الحجه، عمل کردن به این روایت است؛ شیخ مفید از امام باقر^(ع) نقل کرده است که فرمودند: «خداوند توسط جبرئیل، پنج هدیه در ۱۰ روز اول این ماه برای عیسی بن مریم^(ع) فرستاد و فرمود: عیسی! با این پنج دعا، دعا کن؛ زیرا در روزهای ده‌گانه، یعنی، ۱۰ روز ذی الحجه، عبادتی محبوب‌تر از آن نزد خداوند نیست.

اول: اَشْهَدُ انْ لَا اِلَهَ اِلَّا... وحده لا شریک له، له‌الملك و له الحمد بیده الخیر و هو علی کل شیئ قدیر.

دوم: اَشْهَدُ انْ لَا اِلَهَ اِلَّا... وحده لا شریک له، احدا صمد الم یخذ صاحبه ولا ولدا.

سوم: اَشْهَدُ انْ لَا اِلَهَ اِلَّا... وحده لا شریک له، احدا صمد الم یلد و لم یولد و لم یکن له کفو احد.

چهارم: اَشْهَدُ انْ لَا اِلَهَ اِلَّا... وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و میمت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیئ قدیر.

پنجم: حسبی... و کفی سمع...! لمدن عالیس وراء... منتهی اَشْهَدُ الله بما دعا و انه بری من تیره و ان لله الآخرة والاولی.

اگر در ماه ذی الحجه این عبادت را هنوز انجام نداده‌اید، توصیه می‌کنیم از فرصت‌های پایانی این ماه عظیم‌الشان استفاده کنید و این اعمال را به‌جای آورید.

همه آنچه باید درباره وقایع بیست و چهارم ذی الحجه بدانیم

مباهله؛ حقانیت جاوید اسلام

آئینه مستقیمی | ماه ذی‌الحجه در کنار حج و مناسک آن، ماه ولایت و امامت است و بیشترین صفحات زرین کتاب ولایت در این ماه به رشته تحریر درآمده است؛ از واقعه تاریخ‌ساز غدیر تا عبید بزرگ مباهله و ماجرای حاتم‌بخشی امیرالمؤمنین علی^(ع) که همگی، شأن و جایگاه و فضایل امیر بیان را بیش از پیش آشکار می‌کند و راز این همه عشق و دل‌دادگی شیعه به مولایش را فاش می‌سازد. به مناسبت فرارسیدن بیست و چهارم ذی‌الحجه که در تقویم شیعه مزین به دو واقعه مهم یعنی مباهله و حاتم‌بخشی امام علی^(ع) در حال رکوع است، با حجت‌الاسلام والمسلمین حسین شهامت، استاد حوزه علمیه و عضو شورای جامعه المصطفی^(ص) العالمیه گفت‌وگو کرده‌ایم.



تصریح آیه مباهله درباره
امیرالمؤمنین^(ع) چیست و چرا از این
آیه به عنوان برگ زرین دیگری در فضایل
ایشان استناد می‌شود؟

اوج آیه را باید در تعبیر «أَنْفُسَنَا» جست و جو کرد که امیرالمؤمنین^(ع) را به عنوان جان پیغمبر^(ص) معرفی می‌کند. البته پیش از آن هم در چند مورد رسول خدا^(ص) از علی بن ابیطالب^(ع) به عنوان جان خود تعبیر کرده بودند. از جمله در نزول آیات سوره براءت که قرار شد این آیات توسط یکی از نزدیکان پیامبر^(ص) در سرزمین منا آن هم زمانی که ایشان در مدینه حضور داشتند و مکه در دست مشرکین بود، قرائت شود. اما بر پیامبر^(ص) وحی نازل شد که این آیات را هیچ‌کس به جز خودت یا کسی که از خودت، جان خودت، تجسم و مظهر خودت است، ابلاغ نکند. پیامبر^(ص)، امیرالمؤمنین^(ع) را فراخواندند و به وی فرمودند: این آیات را از فلاتی بگیر و من را برای عموم و در جمع مشرکین قرائت کن.

در این میان، آیه مباهله در حد اعلی بر جایگاه والای امیرالمؤمنین^(ع) دلالت می‌کند. از این جهت که به واسطه آن، این مسئله اثبات می‌شود که امیرالمؤمنین^(ع) امتداد وجود مقدس پیامبر^(ص) و هم‌سخن ایشان از جهت روحی و فکری است. مادر باره هر کسی از عبارت جان من استفاده نمی‌کنیم، حتی درباره فرزندان نیز اگر با ماتناسب نداشته باشد. این عبارت را به کار نمی‌بریم، بلکه برای آن فرزندی که به ما قرابت روحی و فکری دارد و ما خیلی به او دل بستگی داریم و او را به منزله روح خویش می‌دانیم، این تعبیر را به کار می‌بریم. وقتی ما این‌گونه هستیم، پیامبر^(ص) و از آن بالاتر خداوند متعال نیز قطعاً چنین تعبیری را بی‌دلیل و بدون استناد لازم به کار نمی‌برند. اگر سخنان پیامبر^(ص) درباره امیرالمؤمنین^(ع) را بررسی کنیم، نفس پیامبر بودن را اثبات می‌کند و از دغدغه‌هایی که پیامبر^(ص) نسبت به امیرالمؤمنین^(ع) و پیش‌بینی‌هایی که از شهادت و مظلومیت ایشان داشتند، جایگاه والا و بی‌بدیل امیرالمؤمنین^(ع) را درمی‌یابیم؛ جایگاهی که به‌زیبایی در آیه مباهله بیان شده و حقیقت و عظمت آن وجود نورانی را برای تاریخ آشکار کرده است.

آیه مباهله چه حقایقی را
درباره اهل بیت^(ع) بیان می‌کند و چرا
عظمتی خاص و فوق‌العاده دارد؟

آیه مباهله چند ویژگی اعتقادی شیعه را برجسته می‌کند؛ نخست اعتقاد و باور خاص ما به جایگاه حضرت زهرا^(ص) است. وقتی تصریح می‌کند: «بِسَاءَتَا» که منظور از آن فقط وجود مقدس حضرت فاطمه^(ص) است. از میان زنان وابسته به پیامبر^(ص) فقط آن یگانه بانوی عالم از جهت فکری، اعتقادی و اخلاقی در بالاترین سطح قرار داشتند؛ علاوه بر این، هیچ‌کدام از همسران رسول خدا^(ص) هم ادعای حضور در آن جمع را نداشته است.

حقیقت دیگری که در آیه مباهله با تعبیر «أَبْنَاءَنَا» بیان می‌شود، درباره اولاد پیامبر^(ص) است. این درحالی است که فرقه‌های انحرافی مدعی بودند فرزندان ما فرزندان پسران ما هستند و فرزندان دختران ما فرزندان قبایل دیگر محسوب می‌شوند. پیامبر^(ص) در روز مباهله حسنین^(ع) را که نوه‌های دختری ایشان بودند، همراه خود بردند و آن‌ها را فرزندان خود معرفی کردند که در آیه هم این تصریح شده است. این مهم استمرار نبوت و نسل رسول خاتم^(ص) به واسطه آئمه^(ع) از نظر حضرت زهرا^(ص) را بیان می‌کند.

آیه مباهله از این منظر در طول تاریخ اسلام مورد استدلال اهل بیت^(ع) بوده است و در عرصه‌های مختلف برای دفاع از حقانیت خود به آن استناد کرده‌اند. چنان‌که امام حسن مجتبی^(ع) در مقابل معاویه به این آیه استناد کردند. سیدالشهدا^(ع) نیز در روز عاشورا به این آیه استناد داشتند و سایر آئمه^(ع) نیز به این آیه در رابطه با مقام و منزلت اهل بیت^(ع) استدلال کرده‌اند.

شأن نزول آیه ولایت چیست
و چرا آن هم به عنوان برگ زرین دیگری
از فضایل مولای متقیان علی^(ع) محسوب
می‌شود؟

یکی از آیاتی که همه فرقه‌های مسلمین شأن نزول آن را متعلق به امیرالمؤمنین^(ع) می‌دانند، آیه ولایت است که می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.» از پیامبر^(ص) است که فرمودند: علی^(ع) در حالت رکوع مشغول نماز بود که سائلی آمد و تقاضایی کرد و امیرالمؤمنین^(ع) اشاره کردند که انگشتر مرا از دستم بیرون بیاور، اینجا بود که آیه ولایت در شأن و مقام مولای متقیان علی^(ع) نازل شد. علاوه بر این، آیات سوره مبارکه دهر نیز به ما جرای بخشش و انفاق امام علی^(ع) و حضرت زهرا^(ص) و همراهی نماز و زکات در بیت علوی تصریح دارد.

نیاز جامعه امروز به دانستن
این فضایل امیرالمؤمنین^(ع) از چه باب
است؟

ما باید بدانیم در مسائل اعتقادی و اخلاقی، چه کسی در رأس قله قرار دارد تا او را الگو قرار دهیم. جامعه‌ای که علی^(ع) را به عنوان الگو ببیند، طبیعتاً این حکمرانی در نامه امیرالمؤمنین^(ع) به مالک اشتر برای حاکمان ماتجلی پیدا می‌کند یا نامه امیرالمؤمنین^(ع) به امام حسن مجتبی^(ع) به عنوان منشور تربیت، درس زندگی ما می‌شود؛ اما اگر ما این‌ها را نشانابیم، از چه کسی باید الهام بگیریم؟ مگر دیگران حرفی برای گفتن دارند؟! شناخت این حقایق اگرچه دیروز ضروری بود، امروز ضرورت بیشتری دارد؛ چراکه امروز بشر سردرگم و تشنه شناخت فضیلت است. فرهنگ استقامت و مقاومت در فلسطین و لبنان و در ایران در دوران دفاع مقدس و در مقابله با داعش و منافقین برگرفته از فرهنگ علوی و فاطمی است. بنابراین امروز ضرورت بیشتری از همه زمان‌ها برای تبیین این حقایق داریم و اتفاقاً گوش شنوا نیز برای آن‌ها وجود دارد.

در صورت تبیین و روشنگری
درباره واقعیتی مثل مباهله و
حاتم‌بخشی امیرالمؤمنین^(ع) و شناساندن
این فضایل به جامعه، سبک زندگی‌های ما
دستخوش چه تحولاتی می‌شود؟

آن‌ها فقط قهرمان میدان‌های جنگ نبودند. آن‌ها در ساحت زندگی اجتماعی، سیاسی و خانوادگی مظهر کامل اخلاق الهی بودند. آن‌ها در زندگی بهترین همسرداری و بهترین تربیت فرزند را داشتند و در برخورد اجتماعی مهربان‌ترین و خیرخواه‌ترین برای آحاد بشر به‌ویژه تپه‌دستان و نیازمندان بودند. بشر در هیچ زمانی دل‌سوزی مانند امیرالمؤمنین^(ع) و اولاد او را نسبت به خلق خدا سراغ ندارد. اهل بیت^(ع) افراد جاهل و نادان را تحمل می‌کردند و نسبت به افراد فقیر و تهی دست تلاش و کوشش می‌کردند. هنوز جاه‌هایی که امیرالمؤمنین^(ع) آن‌ها را با رحمت فراوان در شهر مدینه حفاری کردند. آب می‌دهند و مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند. اهل بیت^(ع) معدن فضیلت هستند و ما با الهام گرفتن از آن‌ها دستانمان پر خواهد شد. مسلمانان اگر «نهج البلاغه»، «صحیفه سجاده» و تفسیر اهل بیت^(ع) از قرآن را نداشتند، چیزی برای ارائه نداشتند. مسلمین به وسیله فرهنگ اهل بیت^(ع) بهترین سرمایه‌ها را دارند و باید با زبان امروز برای نسل جوان و نخبگان خود حقایق را بیان کنیم.